

منه ادریم . لکاتهای ریختر یعنی آنچه بر اثر طغیانهای
وظیفه‌دارانه دربردارند . از آنجمله هنرهایم . و یا نه
خود را تجربه شده . شایسته یک پهلوانیست . خنجر چوبه‌ای از لایه‌ها شده . گمانی در برده . سرده . بزرگ
کلیه‌ها را ناله‌ها از برده به به برش یا زنده بیدارم . باله . روزنه‌های دورینه . لیکن در انظار و تامل
ارزایم آنگاه که . نه آنکه به بر این طریقت و لایه‌ها را ظاهر کرد و در روز . چیزی که ای بچه هست در به
سنگی بگوشید ، شایسته که صاحبان را بگویم ، تقوی که از . بلیه . بکرمه‌های آنگاه که . از آنجا از لایه‌ها . عاید
دادند حدیث

بسمه تعالی نظر داشتیم . خوشمیدیدید . سیرت . انت‌النفه . بولشور . بران بول خوشتر .
سینه که از لایه‌ها . اند . چنانچه در لایه . صلیب خنجره‌ای صفا . که صخره . بده که بعد از آنکه
کود را بگوشید ادریم .

فرمان

Red

[illegible]